

توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی

شهناز طباطبایی یحیی‌آبادی*، سیمین حسینیان**

چکیده:

در این پژوهش به بررسی اثرات آموزش‌های آگاه‌سازی (فردی و شغلی)، کارآفرینی و مشاوره گروهی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده شهر تهران پرداخته می‌شود. نمونه مورد پژوهش ۱۹۳ نفر از زنان ۵۸ - ۱۸ ساله بودند که از مجتمع‌های واقع در دو منطقه شرق و غرب بهزیستی شهرستان تهران، کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه شرق و یک سازمان غیردولتی زنان تحت عنوان «کانون مهر» در منطقه غرب تهران به‌طور تصادفی انتخاب شدند. مشاوره گروهی، هفته‌ای دو جلسه (هر جلسه به‌مدت ۲ ساعت و جمعاً ۳۲ ساعت در طی مدت ۲ ماه) برای هر یک از گروه‌های نمونه انجام شد. چهار گروه نمونه هر یک به‌مدت ۷۰ ساعت و جمعاً ۲۸۰ ساعت تحت آموزش‌های آگاه‌سازی و کارآفرینی، قرار گرفتند. یک هفته بعد از آخرین جلسه آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی، پس‌آزمون برای هر چهار گروه اجرا شد. ابزار استفاده شده در پژوهش، پرسشنامه اطلاعات فردی و شغلی، پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت و پرسشنامه ارزیابی کارآفرینی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و نیز آمار استنباطی، t استیودنت گروه‌های هم‌بسته و MANOVA استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برنامه مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار (بی‌سرپرست و بدسرپرست) تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی^۱، مشاوره گروهی^۲، آگاه‌سازی (فردی، شغلی)^۳، کارآفرینی^۴، عزت‌نفس^۵، زنان سرپرست خانوار^۶.

* دکتری روان‌شناسی وزارت کار و امور اجتماعی

** دکتری مشاوره، عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

مقدمه

اشتغال و کارآفرینی اثرات بسیار مثبتی بر روحیه و رفتار انسان دارد. این اثرات مثبت را می‌توان در مواردی چون اجتماعی شدن، کسب ساختار کلی برای زندگی و رشد شخصیت برشمرد. داشتن شغل یا فعالیت مثبت در اجتماع برای تمامی افراد به‌ویژه زنان سرپرست خانواده با رشد مهارت‌ها، ایجاد یک چارچوب زمان‌بندی شده منظم برای زندگی، تعامل اجتماعی، کسب هویت فردی، شغلی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی همراه است (وار^۷، ۱۹۸۲). نداشتن یا از دست دادن شغل، اثرات بسیار منفی بر روحیه و رفتار انسان‌ها دارد. از دست دادن درآمد باعث ایجاد تغییرات غم‌انگیزی در شیوه و گذران زندگی انسان‌ها می‌شود. برای بسیاری از مردم، به‌ویژه زنان سرپرست خانواده، از دست دادن یا نداشتن شغل به‌معنای از دست دادن خانه و کاشانه و سایر دارایی‌های با ارزش آن‌ها است. موقعیت خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و عزت‌نفس آن‌ها به‌طور منفی تحت تأثیر چنین شرایط نامطلوبی قرار می‌گیرد. از آن‌جا که زنان سرپرست خانواده با شرایط پُرنوسان و غیرثابتی مواجه هستند نسبت به توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های خود تردید می‌کنند. در نتیجه، بیکاری این قشر آسیب‌پذیر سبب بروز تغییراتی در طرز تفکر، سبک زندگی روزانه، کاهش اعتماد به‌نفس و افزایش بیماری‌های جسمی و روانی آن‌ها می‌شود. علائم و نشانه‌های چنین مشکلاتی اغلب بلافاصله یا یک‌سال پس از جدایی از همسر و نداشتن شغل و درآمد درمیان زنان سرپرست خانواده مشاهده شده است (پلانت^۸، ۱۹۶۷؛ ورچل و گویی‌تالس^۹، ۱۹۸۵؛ بلایندر^{۱۰}، ۱۹۸۷؛ آیمن^{۱۱}، ۱۹۹۵؛ طباطبایی^{۱۲}، ۲۰۰۳).

نگاهی اجمالی به جایگاه زنان در ترکیب جمعیت ایران (۴۹٪ جمعیت کل کشور)، نظام آموزشی (۴۸٪ جمعیت در حال تحصیل مقطع ابتدایی تا متوسطه) و اشتغال کشور (نرخ فعالیت زنان ۱۱/۹٪)، بیانگر اهمیت نقش آنان در توسعه کارآفرینی است. در نتیجه نقش زنان در تولید ملی و توسعه اقتصادی دیگر نمی‌تواند در حد شعار و توصیه محدود گردد. متأسفانه در هیچ یک از عرصه‌های قانونی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی زمینه‌ای جدی برای توسعه کارآفرینی - به‌ویژه برای زنان - مهیا نشده است. به‌همان نسبت برای کارآفرینی سیاست‌گذاری خاصی مشاهده نمی‌شود (صابر^{۱۳}، ۱۳۸۱). علاوه بر این، در ایران پژوهش‌های اندکی موجود است که بر ارائه راهکارهای جدید و رویکردهای ابتکاری در جهت توسعه کارآفرینی و اشتغال زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانواده متمرکز باشد.

کمبود مشارکت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور (۴۹٪ از کل جمعیت) در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، وجود تعداد کثیری از زنان جامعه ایران زیر خط فقر (در حال حاضر ۱/۲۰۰/۰۰۰ زن سرپرست‌خانوار در ایران وجود دارد که از این تعداد حدود ۲۷۰/۰۰۰ نفر فاقد هرگونه پوشش حمایتی می‌باشند)، کمبود اعتماد به‌نفس و عزت‌نفس در میان آن‌ها برای حضور در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فقدان آگاهی و دانش آنان از اطلاعات بازار کار، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای،

شرایط محیط کار، قانون کار و از همه مهم‌تر عدم آشنایی و اطلاع آنان از مفاهیم کارآفرینی و کارآفرین و اهمیت و ضرورت این پدیده جدید در رشد اقتصادی کشور از عمده‌ترین و اصلی‌ترین مباحث مربوط به زنان است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳).

با وجود افزایش نسبی در نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، فراگیری آگاهی‌ها، معلومات، دانش و کسب تجارب فردی، هنوز هم انواع استرس‌ها بر زندگی زنان سایه افکنده است و نمی‌توان این استرس‌ها را از محیط زندگی آن‌ها حذف کرد (محتشمی^{۱۴}، ۱۳۷۶). در چنین شرایط استرس‌زایی، سازگاری روانی - اجتماعی زنان به‌شدت متأثر از ثبات خویش‌پنداری و تصور آن‌ها از خویش‌پنداری است. وجود خودپنداره مثبت در زنان موجب می‌شود تا از اعتماد به‌نفس، عزت‌نفس و احساس امنیت برخوردار شوند و در برابر مشکلات زندگی و انحرافات اجتماعی تا حد زیادی مصونیت پیدا کنند. در حالی که خودپنداره منفی و بی‌ثبات، احساس ناامنی ایجاد می‌کند و سازگاری فردی و اجتماعی زنان را مختل می‌سازد (نوابی‌نژاد^{۱۵}، ۱۳۷۰). امروزه یکی از مهم‌ترین الزامات برای ورود زنان به بازار کار، برخورداری از آگاهی‌های فردی، اجتماعی، شغلی، روحیه و فرهنگ کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری است. به‌کارگیری آموزش، استدلال و هدایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از جمله راه‌کارهایی است که با بهره‌مندی از آن‌ها می‌توان سلامت عمومی (جسمانی، روانی و اجتماعی)، خودپنداری مثبت، عزت‌نفس و اعتماد به‌نفس زنان سرپرست خانواده را تضمین نمود.

از آن‌جا که کارآفرینی نیروی هدایت‌گری برای تولید و رشد ایده‌های تجاری، بسیج نیروی کار، منابع مالی و فیزیکی، ایجاد و توسعه بنگاه‌های تجاری و اشتغال‌زایی است، در تمامی کشورها پهنه وسیعی از مشاغل به وسیله بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش خصوصی - مشتمل بر شرکت تعاونی - ایجاد شده است. هدف اصلی این بنگاه‌های تجاری ایجاد مشاغل برای گروه‌های مختلف از جمله زنان و جوانان است (دفتر بین‌المللی کار^{۱۶}، ۲۰۰۴).

با این نگرش، بسترسازی از طریق برنامه‌هایی چون مشاوره گروهی، آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی در جهت افزایش عزت‌نفس، آگاهی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی زنان سرپرست خانواده که دائماً با مشکلات زندگی مواجه هستند و باید بار سنگین این مصائب را خود بر دوش کشند، لازم و اساسی به‌نظر می‌رسد. باید به زنان (به‌ویژه سرپرست خانواده) آموزش داده شود که در برخورد با چالش‌های زندگی چگونه به خوداتکایی برسند؛ چگونه به خود اعتماد کنند و از عزت‌نفس کافی برخوردار شوند تا بتوانند به «خودتوانمندی» و «حرمت نفس» که دو عنصر اصلی عزت‌نفس بوده و از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینان است، برسند.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی اثرات مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانواده (بدسرپرست و بی‌سرپرست)؛ آموزش آگاه‌سازی و کارآفرینی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان و بالاخره بررسی ارتباط بین عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی است.

روش

پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات شبه‌آزمایشی است؛ زیرا توان اعمال متغیر آزمایشی^{۱۷} (آموزش) وجود داشته، ولی جایگزینی تصادفی^{۱۸} امکان‌پذیر نمی‌باشد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد پژوهش، تمامی زنان سرپرست خانواده، با میانگین سنی ۵۸ - ۱۸ سال، تحت پوشش امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور^{۱۹}، کمیته امداد امام خمینی (ره)^{۲۰} و سازمان‌های غیردولتی زنان^{۲۱} شهرستان تهران را شامل می‌شود.

در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری، «تصادفی چندمرحله‌ای» است. به‌منظور انتخاب تصادفی زنان سرپرست خانواده شهرستان تهران، ابتدا از بین مناطق چهارگانه، شمیرانات، شهرری، شرق و غرب، دو منطقه شرق و غرب به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از فهرست ۴۰۷ نفری زنان سرپرست خانواده که در ۱۳ مجتمع تحت پوشش منطقه شرق و ۸ مجتمع تحت پوشش منطقه غرب شهرستان تهران ساکن بودند، تعداد ۱۰۰ نفر از زنان سرپرست خانواده منطقه شرق و ۵۰ نفر از منطقه غرب به‌طور تصادفی جهت گذراندن دوره آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی)، کارآفرینی و مشاوره گروهی انتخاب شدند. همچنین از مناطق ۳۲گانه تحت پوشش کمیته امداد خمینی (ره)، تنها یک منطقه (منطقه ۸) واقع در شرق تهران به‌طور تصادفی انتخاب و از لیست ۳۰۰ نفری زنان سرپرست خانواده تحت پوشش این منطقه تعداد ۵۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند.

از بین تعداد ۱۰۷ سازمان غیردولتی (NGO) زنان در شهرستان تهران فقط یک سازمان غیردولتی واقع در غرب این شهر به‌نام «کانون کارآفرینان مهر» که تعداد ۲۰۰ نفر از زنان سرپرست خانواده را تحت پوشش دارد، تعداد ۵۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. تعداد گروه نمونه ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شده بود، ولی به‌علت افت نمونه به ۱۹۳ نفر تقلیل یافت.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه اطلاعات فردی و قابلیت‌های شغلی و حرفه‌ای: این پرسشنامه شامل ۱۰ سؤال است که ۶ سؤال آن اطلاعات جمعیت‌شناختی (دموگرافیک) مورد نیاز در ارتباط با مشخصات

فردی، شرایط حرفه‌ای و شغلی آزمودنی‌ها و ۴ سؤال آن مربوط به میزان آگاهی شغلی آزمودنی‌ها است. برای تعیین میزان روایی این پرسشنامه، قبل از اجرا، ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در رشته روان‌سنجی و راهنمایی شغلی و حرفه‌ای روایی پرسشنامه فوق را تأیید نمودند.

پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت: این پرسشنامه فرم کوتاه، ویژه بزرگسالان و شامل ۲۵ سؤال است (چاپ پنجم، تجدیدنظرشده، ۱۹۸۷). پرسشنامه مزبور به وسیله کوپراسمیت (۱۹۷۵) از روی فرم اصلی پرسشنامه عزت‌نفس (۱۹۶۷) تهیه شده است. برای تعیین ضریب اعتبار این پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد، میزان ضریب آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۷۶ است. ضریب اعتبار آن از طریق تست مجدد با فاصله زمانی ۲ ماه مورد سنجش قرار گرفت که معادل ۰/۸۵ می‌باشد. علاوه بر این، برای برآورد روایی ملاکی این آزمون از آزمون عزت‌نفس آیزنک استفاده شد، که میزان همبستگی آن‌ها ۰/۷۸ ($P < ۰/۰۱$) بود. نتایج نشان‌دهنده روایی مطلوب پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت است (نایبی‌فرد^{۲۲}، ۱۳۸۲).

پرسشنامه ارزیابی افراد برای کارآفرینی: این پرسشنامه شامل ۴۳ سؤال است. از سه بخش فرعی، انگیزه پیشرفت، ارزیابی عادات کاری و ارزیابی کارآفرینی، تشکیل شده است. با استفاده از این پرسشنامه، به زنان سرپرست خانواده این فرصت داده شد که خود را از نظر کارآفرینی ارزیابی نمایند و نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند. حسن این کار در این است که زنان پس از گذراندن دوره آموزش کارآفرینی، چه کارآفرین بشوند چه نشوند، از دانستن درباره خود سود بسیاری خواهند برد و شغلی که در آینده انتخاب می‌کنند، به آن‌ها اجازه می‌دهد که از توانایی‌های خود به بهترین نحو ممکن استفاده نمایند. علاوه بر این، در این پژوهش به منظور تعیین ضریب پایایی این پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد، ضریب آلفا معادل ۰/۷۴ است. ضریب پایایی آن از طریق بازآزمایی (تست - تست مجدد) با فاصله زمانی ۲ ماه مورد آزمایش قرار گرفت و میزان آن برابر ۰/۸۱ است. بنابر گزارش برخی از صاحب‌نظران، این پرسشنامه، وسیله‌ای روا، معتبر و پایا برای ارزیابی عادات کارآفرینی ایرانیان است (احمد پورداریانی، ۱۳۸۰).

یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک گروه نمونه نشان داد که، ۴۱/۴٪ از نمونه‌های پژوهش در دامنه سنی ۳۹ تا ۴۸ سال (۴۵ نفر (۲۳/۶٪) مطلقه، ۱۳۷ نفر (۷۴/۱٪) بی‌کار، ۵۶ نفر (۳۰/۴٪) دارای تحصیلات پایین هستند. از کل نمونه‌های پژوهش ۱۰۸ نفر (۵۶/۵٪) بی‌سرپرست، ۴۱ نفر (۲۱/۵٪) خودسرپرست و ۴۲ نفر (۲۲٪) بدسرپرست بودند. همچنین اکثریت نمونه‌ها ۸۱ نفر (۴۲٪) تحت پوشش بهزیستی شرق هستند.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین نمرات عزت‌نفس زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست قبل و بعد از مشاوره گروهی در جدول t همبسته شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول t همبسته شماره ۱ بررسی وضعیت عزت‌نفس زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست قبل و بعد از برنامه مشاوره گروهی

سطوح	زمان آموزش	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان بدسرپرست	قبل از آموزش	۱۰/۳۴	۲/۲۱	۴/۱۱	۱۴	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۴/۴۹	۳/۷۵			
زنان بی‌سرپرست	قبل از آموزش	۱۱/۷۳	۳/۳۵	۸/۷۸	۱۴	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۶/۴۵	۳/۴۸			

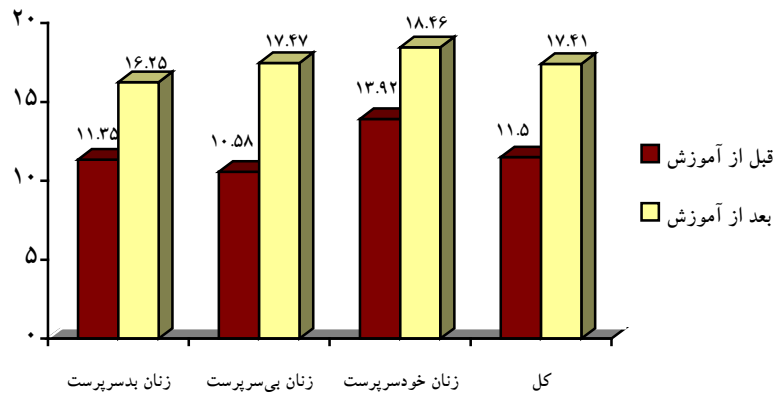
با توجه به جدول فوق و میزان t بدست آمده، می‌توان گفت که عزت‌نفس زنان بدسرپرست و زنان بی‌سرپرست ($a=0/01$) بعد از برنامه مشاوره گروهی افزایش یافته است. نکته قابل توجه این است که میزان عزت‌نفس زنان بدسرپرست در مقایسه با زنان بی‌سرپرست قبل از برنامه مشاوره گروهی پایین‌تر بوده، بعد از برنامه نیز افزایش کمتری را نشان می‌دهد. در حالی‌که، زنان بی‌سرپرست با توجه به این‌که با فرزندان خود زندگی می‌کنند و فاقد همسر هستند، که بار مسئولیت زندگی و فشارهای روانی آن‌ها را دو برابر می‌کند، دارای عزت‌نفس بالاتری در مقایسه با زنان بدسرپرست هستند. ضمناً زنان بی‌سرپرست بازخورد بهتری را نسبت به برنامه مشاوره گروهی نشان داده‌اند.

جدول t همبسته شماره ۲ بررسی وضعیت «عزت‌نفس» زنان قبل از آموزش و بعد از آموزش «آگاه‌سازی» و «کارآفرینی»

سطوح	زمان آموزش	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان بدسرپرست	قبل از آموزش	۱۱/۳۵	۳/۹۹	-۴/۳۸	۲۷	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۶/۲۵	۴/۷۷			
زنان بی‌سرپرست	قبل از آموزش	۱۰/۵۸	۴/۸۱	-۹/۳۲	۷۲	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۷/۴۷	۴/۳۰			
زنان خودسرپرست	قبل از آموزش	۱۳/۹۲	۴/۸۹	-۵/۰۸	۲۵	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۸/۴۶	۴/۲۵			
کل	قبل از آموزش	۱۱/۵۰	۴/۸۴	-۱۱/۱۷	۱۲۷	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۱۷/۴۱	۴/۴۱			

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t بدست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که در تمامی سطوح سرپرستی (بدسرپرست، بی‌سرپرست و خودسرپرست)، عزت‌نفس زنان بعد از ارائه آموزش آگاه‌سازی و کارآفرینی بالاتر از عزت‌نفس آنان قبل از ارائه آموزش‌های مزبور است.

نمودار شماره ۱ بررسی وضعیت «عزت نفس» زنان قبل از آموزش و بعد از آموزش «آگاه‌سازی» و «کارآفرینی»

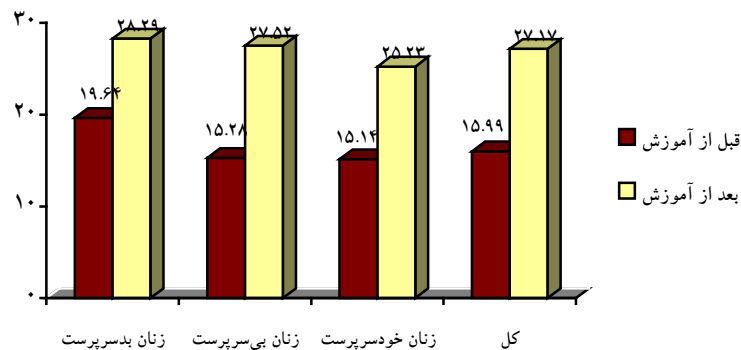


جدول t هم‌بسته شماره ۳ بررسی وضعیت «گرایش‌های کارآفرینی» زنان قبل از آموزش و بعد از آموزش «آگاه‌سازی» و «کارآفرینی»

سطوح	زمان آموزش	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معناداری
زنان بدسرپرست	قبل از آموزش	۱۹/۶۴	۵/۷۷	-۴/۴۵	۱۶	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۲۸/۲۹	۷/۰۸			
زنان بی‌سرپرست	قبل از آموزش	۱۵/۲۸	۸/۶۶	-۸/۶۰	۶۲	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۲۷/۵۲	۷/۵۴			
زنان خودسرپرست	قبل از آموزش	۱۵/۱۴	۷/۶۸	-۳/۶۲	۲۰	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۲۵/۲۳	۷/۴۸			
کل	قبل از آموزش	۱۵/۹۹	۸/۱۵	-۱۰/۰۹	۱۰۰	۰/۰۱
	بعد از آموزش	۲۷/۱۷	۷/۴۵			

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t بدست آمده، می‌توان دریافت که در تمامی سطوح سرپرستی (بدسرپرست، بی‌سرپرست و خودسرپرست)، گرایش‌های کارآفرینی زنان بعد از ارائه آموزش آگاه‌سازی و کارآفرینی بالاتر از گرایش‌های آنان قبل از ارائه آموزش‌های مزبور بوده است.

نمودار شماره ۲ بررسی وضعیت «گرایش‌های کارآفرینی» زنان قبل از آموزش و بعد از آموزش «آگاه‌سازی» و «کارآفرینی»



بحث

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برنامه مشاوره گروهی تأثیر بسزایی در شناخت زنان سرپرست‌خانواده (بدسرپرست و بی‌سرپرست) نسبت به مشکلات، نگرانی‌ها، نیازهای اساسی و تکاملی خود، کسب بصیرت نسبت به احساسات و رفتار خود و ایجاد تغییرات مثبت در «مفهوم خود»، سازگاری‌های فردی - اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های زندگی (فردی و شغلی) آنها داشته در عین حال که این برنامه باعث افزایش عزت‌نفس زنان سرپرست‌خانواده نیز شده است. در راستای تحلیل‌های استنباطی و همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش مشخص گردید که عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانواده (بدسرپرست، خودسرپرست و بی‌سرپرست) بعد از اجرای برنامه آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی افزایش یافته است. نتایج این تحقیق توسط پژوهشگران دیگری چون پلانت ۱۹۶۷؛ وورچل و گوپی‌تالس، ۱۹۸۵؛ بلایندر، ۱۹۸۷؛ آیمن، ۱۹۹۵؛ طباطبایی، ۲۰۰۳؛ جباری، ۱۳۸۲؛ طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۳ نیز تأیید شده است. علاوه بر این، ارتباط معناداری بین عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان بی‌سرپرست و خودسرپرست قبل از

برنامه‌ی آموزش آگاه‌سازی و کارآفرینی وجود دارد و این امر بیانگر آن است که قبل از آموزش با افزایش عزت‌نفس، گرایش‌های کارآفرینی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی دو عامل مهم و اثرگذار بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانواده محسوب می‌شوند. از این‌رو، ارائه چنین آموزش‌هایی به زنان (به‌ویژه زنان سرپرست‌خانواده) از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و یکی از مهمترین راهکارهای عملی برای هدایت زنان به سوی بازار کار است که این امر در بازگشت موجب افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خواهد شد. علاوه بر انجام فعالیتهای علمی و اجرای برنامه‌های آموزشی مفید و مؤثر برای زنان سرپرست‌خانواده، اتخاذ سیاست‌های دولتی مناسب به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان؛ ایجاد امکانات برای زنان جهت دسترسی به اطلاعات؛ اجرای طرح‌های مالی یا به‌عبارت دیگر تخصیص و تأمین منابع مالی در جهت ترغیب و تشویق زنان کارآفرین به ایجاد مؤسسات کارآفرینی؛ گردآوری اطلاعات آماری معتبر درخصوص جمعیت زنان فعال و همچنین فعالیتهای اشتغالزای آنها؛ توسعه‌ی آموزش‌های کارآفرینی و دسترسی زنان و دختران به این آموزش‌ها؛ دسترسی زنان و دختران به فناوری اطلاعات؛ آموزش‌های عمومی و تخصصی کسب‌وکار و خدمات حمایتی از مهمترین مواردی است که می‌تواند در توانمندسازی و آماده‌سازی زنان (به‌ویژه زنان سرپرست‌خانواده) به‌عنوان گروه‌های مستقل و توانمند برای ورود به بازار کار و شرکای اصلی در برنامه توسعه کشور مفید و مؤثر واقع شود.

یادداشت‌ها

1. Empowerment
2. Group Counseling
3. Individual and Occupational Awareness
4. Entrepreneurship
5. Self – esteem
6. Head House Holder Women
7. Warr, 1982
8. Plant, 1967
9. Worchel & Goetals, 1985
10. Blinder, 1987
11. Iman, 1995
12. Tabatabaei, 2003
13. Saber, 1380
14. Mohtashami, 1376
15. Navabinejad, 1370
16. International Labour Office, 2004
17. Experimental Variable
18. Randomly Placement
19. Welfare Organization
20. Iman Khomains Relief Committee
21. Non – Governmental Organization (NGO)
22. Nayebe Fard, 1382

منابع

- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۰). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها)، تهران: شرکت پردیس ۵۷.
انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.

- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳). **روش‌های عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان**، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- جبّاری، حبیب (۱۳۸۲). **نگرشی جنسیتی به تأمین اجتماعی**. فصلنامه پژوهشی زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۶.
- دفتر بین‌المللی کار (۲۰۰۴). **گزارش ۲۸۹ امین اجلاس هیئت مدیره**، کمیته اشتغال و سیاست اجتماعی، ارتقای کار شایسته از طریق کارآفرینی، ترجمه شهناز طباطبایی (۱۳۸۴)، ژنو: انتشارات دفتر بین‌المللی کار، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۸۳). **کارآفرینی در دنیای معاصر**، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سوکی‌نیک، دایان؛ نبدات، ویلیام؛ رافمن، لیزا (۱۳۸۳). **برنامه آمادگی شغلی، خود را برای بازار کار در قرن بیست‌ویکم آماده کنیم**، ترجمه مرجان فرجی، تهران: انتشارات رشد.
- صابر، فیروزه (۱۳۸۱). **راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- طباطبایی، شهناز (۱۳۷۸). **پایایی، روایی و تحلیل عامل پرسشنامه عزت‌نفس (فرم بزرگسال - ۲۵ سؤالی) در زنان و مردان شاغل و بیکار شهر تهران**، مقاله ارایه شده در پنجمین سمینار دانشجویان ایران در زمینه علوم انسانی، اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم شبه قاره هند، هندوستان: چندیگر.
- طباطبایی، شهناز؛ حسینیان، سیمین (۱۳۸۳). **بررسی تأثیر آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار «کانون مهر» به منظور آماده‌سازی آنان برای ورود به بازار کار**، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۵۶، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- لیندن فیلد، گیل (۲۰۰۰). **اعتماد به نفس برتر**، ترجمه حمید اصغری‌پور و نگار اصغری‌پور (۱۳۸۰)، تهران: انتشارات رشد.
- محتشمی، ج (۱۳۷۶). **افسردگی، حوادث پراسترس زندگی و اعتماد به نفس در زنان**، همایش نقش و جایگاه فرهنگ و هنر در بهداشت روانی، تهران: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نایی‌فرد (۱۳۸۲). **هنجارهایی پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت و بررسی برآزش آن با مدل راش**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نصیری قیداری، حسن (۱۳۸۱). **بسترسازی کارآفرینی، همت همگانی می‌طلبد**، کارآفرینی، ماهنامه تخصصی بازاریابی، شماره ۲۲.
- نواب‌نژاد، ش (۱۳۷۰). **راهنمایی و مشاوره گروهی**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- یونیسف (۱۳۷۷). **وضعیت زنان جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات یونیسف.

- Blinder, A. S. (1987). Hard heads, Soft hearts. In Frank N. Magill et al. Eds. (1997). International Encyclopaedia of Economics, Vol. 2. Copyright Salem Press Inc: London, Chicago.
- Coopersmith, S. (1987). Self – esteem Inventories (Fifth Print). Consulting Psychologists Press Inc. Palo Alto California.
- Schumpeter, J. (1934). The Theory of Economic Development. Cambridge: Harvard University Press.
- Tabatabaei, Sh. (2003). Study of Self – esteem and Mental Health of People in Relation to their Employment Status in Iran. Unpublished. Ph. D. Thesis, Panjab University – Chandigarh, India.
- Worchel, S. and Goethals, G. R. (1985). Adjustment Pathways to Personal Growth. Prentice - Hall. Inc. Englewood Cliffs: New Jersey.